

فروغ ولایت (ولادت امام جواد علیه السلام)

<?xml encoding="UTF-8?">



پایان انتظار

47 سال از عمر شریف امام رضا علیه السلام می گذشت، ولی هنوز آن حضرت صاحب فرزند نشده بود. این موضوع برای شیعیان و دوستداران اهل بیت نگران کننده بود؛ زیرا همگان می دانستند که براساس روایات رسیده از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه اطهار علیهم السلام، امام نهم فرزند امام رضاست. به همین دلیل مشتاقانه در انتظار بودند تا خدای متعال پسری به ایشان عنایت بفرماید. گاهی بعضی از دوستان، از حضرت پرسش هایی در مورد امام بعدی می کردند. امام رضا علیه السلام آنان را دلداری می داد و می فرمود: «خداوند پسری به من خواهد داد که وارث من و امام پس از من خواهد بود». سرانجام روزهای انتظار به پایان رسید، گلشن رضوی به بوی خوش گل محمدی معطر شد و امام جواد علیه السلام در دهم رجب سال 195 هجری قمری در مدینه دیده به جهان گشود.

فرزندان

امام جواد علیه السلام فرزندانی داشت که نزد حضرت بزرگ شده و به مقامات بالایی از علم و عرفان رسیدند. یکی از فرزندان حضرت، امام دهم حضرت هادی علیه السلام است که پس از پدر، امامت امت اسلامی را به عهده گرفت. موسی مبرقع فرزند دیگر امام جواد علیه السلام است. او در مدینه متولد شد و پس از شهادت پدر بزرگوارش به کوفه مسافرت نمود و در آن جا مسکن گزید. بعد از مدتی کوفه را به مقصد شهر قم ترک کرد و در سال 256 ق وارد قم شد و در سال 296 ق در آن شهر رحلت کرد و همان جا دفن شد. یکی دیگر از فرزندان امام جواد علیه السلام حکیمه است. امام هادی علیه السلام، نرجس خاتون مادر امام زمان را به ایشان سپرد تا احکام و معارف اسلامی را به او بیاموزد. حکیمه در شب تولد وجود مقدس امام زمان (عج) در کنار نرجس خاتون

بود و از او مراقبت می نمود. حکیمه بعد از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام ، مقام سفارت امام زمان علیه السلام را به عهده داشت و عرایض و نامه های مردم را به امام می رساند.

زیارت امام

روز چهارشنبه به چهار تن از امامان معصوم، از جمله امام جواد علیه السلام تعلق دارد. امام عسکری علیه السلام در فضیلت زیارت امام جواد علیه السلام می فرماید: «برای زیارت کنندگان جَدَم امام جواد علیه السلام ، ثواب بزرگی از طرف خداوند است». وجود مقدس امام زمان (عج) هم در شب های جمعه به زیارت جدّ بزرگوارش مشرف می شود. در قسمتی از زیارت نامه امام جواد علیه السلام آمده است: «سلام بر تو ای نور خدا در تاریکی های زمین، سلام بر تو ای ستون دین، شهادت می دهم کسی که پیرو تو شد، در راه حق و هدایت گام نهاده و هر کس تو را انکار کرده و با تو دشمنی کند، گمراه شده است».

ازدواج

هنگامی که مأمون خلیفه عباسی شهر طوس را ترک کرد و بغداد را مرکز حکومت خود قرار داد، در نامه ای به امام جواد علیه السلام ، حضرت را بدان جا فرا خواند. با توجه به این که این دعوت نیز مانند دعوت امام رضا علیه السلام به شهر طوس، دعوتی ظاهری و در واقع سفری اجباری بود، امام جواد علیه السلام به ناچار به شهر بغداد رفت. مأمون، آن حضرت را به کاخ خود دعوت نمود و پیشنهاد کرد با دخترش ام الفضل ازدواج کند. امام در مقابل این پیشنهاد سکوت نمود. مأمون این سکوت را علامت رضایت شمرد و حضرت با ام الفضل ازدواج کرد. ازدواج امام جواد علیه السلام با ام الفضل کاملاً سیاسی بود و مأمون با این کار، اهدافی را دنبال می کرد که کنترل همیشگی امام، جلوگیری از قیام علویان و مشروع جلوه دادن فضای فاسد دربار و لطمه بر قداست آن حضرت، از آن شمارند.

شاگردان

یکی از ابعاد بزرگ زندگی امامان معصوم علیهم السلام بُعد فرهنگی آنان است. هر کدام از پیشوایان ما، در عصر خود فعالیت فرهنگی داشته و شاگردانی را در مکتب خویش تربیت می کردند و علوم و دانش های خود را به

دست آنان در جامعه منتشر می ساختند. البته شرایط اجتماعی و سیاسی زمان آنان یکسان نبود و از دوره امام جواد علیه السلام به بعد، به دلیل فشارهای سیاسی و کنترل شدید فعالیت آنان از طرف دربار، فعالیت آن بزرگواران بسیار محدود بود و از این نظر، تعداد راویان و پرورش یافتگان مکتب آنان نسبت به زمان ائمه دیگر کاهش چشمگیری یافته بود. ولی با تمامی این مشکلات، امام جواد علیه السلام از تمام فرصت هایی که به دست می آمد استفاده می کرد و بر جهاد علمی و تربیت شاگردان و اصحاب شایسته اهتمام می ورزید.

سفیران هدایت

با توجه به ایجاد محدودیت از طرف خلفای عباسی و پراکنده بودن شیعیان در مناطق مختلف، امام جواد علیه السلام از راه برگزیدن وکیل و نمایندگان، ارتباط خود را با شیعیان حفظ می کرد. امام جواد علیه السلام کارگزارانی را به سراسر قلمرو حکومت خلیفه عباسی می فرستاد و با فعالیت گسترده آنان، از تجزیه نیروهای مؤمن و شیعیان جلوگیری می نمود. کارگزاران امام در بسیاری از مناطق حکومت اسلامی مانند اهواز، همدان، سیستان، ری، بصره، واسط، بغداد، کوفه و قم پخش شده بودند و اهداف و آرمان های امام را پیاده کرده، از انحراف فکری دوستداران اهل بیت جلوگیری می کردند. امام جواد علیه السلام به هواداران خود اجازه داده بود تا به درون دستگاه حکومت عباسی نفوذ کرده و مناصب حساس را در دست بگیرند. علی بن مهزیار اهوازی در شهر اهواز، ابراهیم بن محمد همدانی در شهر همدان و خیران الخادم از جمله کارگزاران مهم حضرت به شمار می آمدند.

نامه ها

پراکنده بودن شیعیان و دسترسی نداشتن آنان به امام جواد علیه السلام، باعث شد تا دوستداران اهل بیت به شیوه نامه نگاری روآورده و مشکلات و مسایل خود را از این راه حل کنند. هم اکنون حدود 157 نامه از حضرت جواد علیه السلام به یادگار مانده است که بیشتر آنها را مسایل شرعی و احکام فقهی تشکیل می دهد. افزون بر این ها، امام جواد علیه السلام نامه هایی به بعضی از افراد و شهرها فرستاده که می توان به نامه امام به ابراهیم بن محمد همدانی و مردم شهر همدان اشاره کرد. امام جواد علیه السلام در پاسخ نامه ابراهیم بن محمد همدانی که سِمَت وکالت حضرت را برعهده داشت، نوشت: «وجوه ارسالی رسید، خدا از تو قبول فرموده و از شیعیان ما راضی باشد و آنان را در دنیا و آخرت در کنار ما قرار دهد». امام در ادامه این نامه می نویسد: «سفارش شما را به نصر بن محمد همدانی کرده و موقعیت تو را در نزد خود به اطلاع او رساندم. به دوستان خود در همدان نامه ای نوشته و به آنان تاکید کرده ام که از تو پیروی کنند؛ زیرا من، جز تو وکیلی در آن ناحیه ندارم».

مقام علمی

مأمون خلیفه عباسی مقام و منزلت امام جواد علیه السلام را می شناخت و به حقانیت حضرت آگاهی داشت. او می دانست که امامان معصوم علیهم السلام، رشته محکم الهی و حجت خدا بر مردم هستند و به فضل، دانایی، پارسایی و کرامت آنان آگاه بود. با این حال، برای خاموش کردن نور الهی و نابود کردن آثار و نشانه های آن از هیچ کوششی دریغ نمی ورزید. مأمون وقتی کمی سن امام جواد علیه السلام رامشاهده نمود، دست به تجربه ای کوچک زد. عباسیان نیز او را برای کوبیدن شخصیت حضرت تحریک می کردند. مأمون دستور داد تمام عالمان و بزرگان شهر با امام جواد علیه السلام مناظره کنند. البته امام علیه السلام هم با پاسخ های علمی و منطقی، آنان را قانع ساخت و نقشه شوم مأمون را نقش بر آب کرد. امام جواد علیه السلام در دوران حیات کوتاه خود، مناظره های زیادی با بزرگان و عالمان شهرهای مختلف انجام داد و در تمام آن جلسات، پیروزمندان از مناظره بیرون رفت.

امام از زبان خود

پس از شهادت جانشوز امام رضا علیه السلام در شهر طوس، امام جواد علیه السلام در شهر مدینه در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله حاضر شد و برای مردم سخنرانی کرد. در آن هنگام، امام جواد علیه السلام در سنین کودکی بود. ایشان در ابتدای سخنرانی بعد از حمد و ستایش خداوند متعال به معرفی خود پرداخت و فرمود: «من محمد بن علی الرضا هستم. من به انساب و نسل های مردم در صلب پدرانشان آگاهم. من به ظاهر و باطن شما و به مسیری که در پیش دارید واقفم و بهتر از خود شما می دانم. علمی که خداوند به من عنایت کرده، مربوط به قبل از خلقت همه خلایق است و این علم، بعد از نابودی آسمان ها و زمین نیز باقی خواهد ماند. اگر اهل باطل و دولتمردان گمراه و اهل شک و تردید گرفتار سرکشی و حیرت نمی شدند، سخنانی بیان می کردم که اولین و آخرین شما را به شگفتی بکشاند».

پدر به فدایت

محمد بن عیسی بن زیاد می گوید: هنگامی که امام رضا علیه السلام در طوس بود، در دفتر کار ابوعباده نشسته

بودم. او و دو خدمتکارش، از روی نامه ای رونوشت می کردند. حس کنجکاوی مرا تحریک کرد و از کارشان پرسیدم. ابوعباده اندکی خاموش شد و گفت: از نامه ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام رونوشتی برمی داریم. با اشتیاق پرسیدم: امام نامه را به چه کسی نوشته است؟. گفت به فرزندش ابوجعفر محمد الجواد علیه السلام. از ایشان تقاضا کردم تا اجازه دهند نامه حضرت را زیارت کنم. امام در نامه کوتاهی به فرزندش امام جواد علیه السلام چنین نوشته بود: «به نام خداوند بخشنده و مهربان. خداوند تو را زنده بدارد و از شر دشمنان محافظت نماید. پسر! پدرت به فدای تو باد. من در حیات خود ثروت و دارایی ام را در اختیار تو گذاشته ام تا به وسیله آن، اقوام و بستگان خود را از فقر برهانی و اقوام جدت موسی بن جعفر علیه السلام را خشنود سازی».

تجلیل پدر

امام رضا علیه السلام پدر بزرگوار امام جواد علیه السلام به فرزند عزیزش افتخار می کرد و همواره او را مورد لطف و عنایت خود قرار می داد. حضرت، از امام جواد علیه السلام با احترام فراوان یاد می کرد و به شایستگی تجلیل می نمود. هر گاه امام به فرزندش نامه می نوشت می فرمود: من به ابوجعفر نامه نوشتم، و هر زمانی که از امام جواد علیه السلام به امام رضا علیه السلام در شهر طوس نامه ای می رسید، دوستان و شیعیان را از این امر با خبر می کرد و می فرمود: ابوجعفر برایم نامه ای نوشته است. امام رضا علیه السلام برای بزرگداشت و احترام وی، همواره از کنیه امام جواد علیه السلام استفاده می نمود که نشان احترام به آن حضرت است.

مسافر

امام جواد علیه السلام در شهر مقدس مدینه منزل گزیده بود و از آن جا امت اسلامی را رهبری می کرد. آن حضرت بارها به شهرهای مختلف اسلامی مسافرت کرد. البته بیشتر مسافرت های امام، به شهر مقدس مکه بود که برای انجام مناسک حج صورت می گرفت. در یکی از مسافرت ها، ایشان به همراه پدر بزرگوار خود به زیارت خانه خدا مشرف شد. پس از شهادت امام رضا علیه السلام، نخستین مسافرت اجباری حضرت، به دستور مأمون خلیفه عباسی به شهر بغداد بود که بعد از مدتی اقامت در آن جا، دوباره به مدینه بازگشت. امام جواد علیه السلام برای بار دوم از سوی معتصم عباسی به بغداد فراخوانده شد. ایشان در سال 220 ق وارد بغداد شد و تا آخرین لحظات عمر شریفش و به مدت یازده ماه در آن جا اقامت داشت.

با ورود امام رضا علیه السلام به خاک ایران و ارتباط مردم مسلمان با حضرت، ایران به کانون بزرگ عشق و ارادت و محبت به اهل بیت پیامبر تبدیل شد. شهرهای مذهبی قم و ری از مراکز مهم شیعه شمرده می شد که در دوران امام جواد علیه السلام نیز، شیعیان این دیار با حضرت در ارتباط بودند. احمد بن محمد بن عیسی که از وی به عنوان شیخ القمیین یاد شده، از یاران امام جواد علیه السلام بود که محضر نورانی امام عسکری علیه السلام را نیز درک کرده است. شیعیان ایران افزون بر ارتباط از راه وکلای حضرت، در ایام حج در مدینه با امام دیدار می کردند و خمس اموال خود را به خدمت امام می فرستادند. حضرت جواد علیه السلام در بیشتر شهرهای ایران وکیل و نماینده داشت.

بدرقه

مأمون عباسی بسیار مایل بود امام جواد علیه السلام در شهر بغداد بماند تا بدین وسیله، حضرت و شیعیانش تحت نظر باشند و او نیز به نظام سلطه و ظالم خود مشروعیت بخشد. ولی امام جواد علیه السلام نان جوین و نمک خشن را در حرم حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم، از امکانات و زندگی اشرافی بهتر می دانست. بدین دلیل، امام آماده بازگشت به مدینه شد. وقتی آن حضرت می خواست بغداد را ترک کند، گروهی از مردم آن شهر، حضرت را تا دروازه کوفه بدرقه شکوهمندی کردند و سپس امام علیه السلام، آن جا را به مقصد مدینه ترک کرد.

نمونه هایی از سیره امام جواد علیه السلام

عیادت

امام جواد علیه السلام، وقتی خبر بیماری کسی را می شنید، به عیادتش می شتافت و از او دلجویی می کرد. روزی امام جواد علیه السلام به عیادت یکی از یاران خود رفت. وقتی در بالین او نشست، متوجه شد بیمار گریه می کند. حضرت فرمود: «ای بنده خدا! آیا از مرگ می ترسی؟ اگر چرک و کثافات تو را فرا گرفته و موجب ناراحتی

شود و جراحات و زخم های پوستی در بدن به وجود آید و بدانی که شستشوی در حمام، همه ناراحتی ها و امراض را از بین می برد، آیا دوست داری وارد حمام شده و بدنت را بشویی و از زخم ها و آلودگی ها پاک شوی؟» بیمار مقداری آرام شد و رو به امام کرد و گفت: البته که دوست دارم. امام فرمودند: «مرگ برای مؤمن همانند حمامی است که انسان را از تمام رنج ها و سختی ها رها نموده و به سوی شادکامی می برد». بیمار از کلام امام آرام گرفت و عافیت و نشاط پیدا کرده، نگرانی اش از بین رفت.

پرهیز از تجمل

غذای امام جواد علیه السلام همانند جد بزرگوارش امیرمؤمنان علیه السلام خیلی ساده و به دور از تشریفات بود. ایشان همانند تنگدستان جامعه غذا می خورد و با دیگران هم غذا می شد. امام جواد علیه السلام از این که در کاخ های عباسیان به آسودگی و در رفاه زندگی کند و امور دینی شیعیان را به فراموشی بسپارد، راضی نبود و اگر شرایطی برای ترک اقامت در بغداد فراهم می شد، آن شهر را ترک می کرد. یکی از یاران امام می گوید: در بغداد بر امام جواد علیه السلام وارد شدم و زندگی او را مشاهده نمودم. با خود گفتم: حال که امام به این زندگی مرفه رسیده، هرگز به مدینه باز نمی گردد. امام لحظه ای سر به زیر افکند و آن گاه سر برداشت. دیدم رنگ چهره امام از اندوه زرد شده است. حضرت رو به من کرد و فرمود: ای حسین! نان جوین و نمک نیمکوب در حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله بهتر از این هاست. به همین دلیل امام در بغداد نماند و به همراه همسرش ام الفضل به مدینه بازگشت و تا سال 220 در مدینه بود.

هدیه دادن

هدیه دادن از آداب و رسوم زیبایی است که در اسلام نیز به آن سفارش شده و باعث ایجاد دوستی و از بین رفتن کینه و کدورت می شود. امامان معصوم نیز برای خشنود کردن دیگران، به آنان هدیه می دادند. هنگامی که امام جواد علیه السلام از مدینه عازم عراق شد، خانواده خود را مورد لطف و مهربانی قرار داد. حضرت فرزند عزیزش امام هادی علیه السلام را روی زانوهای خود نشاند و فرمود: فرزندم! چه چیزی دوست داری تا از عراق برایت هدیه بیاورم؟ امام هادی علیه السلام فرمودند: دوست دارم برایم شمشیری برّان بیاوری. حضرت فرزند دیگرش موسی مبرقع را نیز مورد خطاب قرار داد و فرمود: تو چه می خواهی تا هنگام برگشتن برایت هدیه بیاورم. او جواب داد من دوست دارم برایم اسبی بیاوری.

نهی از منکر

در مجلس مأمون عباسی، شخصی آوازخوان و تارزن به نام «مُخارق» بود که ریش بلندی داشت. مأمون عباسی از

اوخواست تا کاری کند امام جواد علیه السلام از حالت معنوی بیرون آمده، قلب او به امور دنیا سرگرم شود. مخارق در مقابل امام جواد علیه السلام نشست و شروع به آواز خوانی کرد. اهل مجلس اطراف او را گرفتند، ولی امام نهم توجهی نکرد. وقتی حضرت مشاهده نمود که آوازخوان از کار زشت خود دست برنمی دارد، فریادی کشید و فرمود: ای ریش بلند! از خدا بترس. مخارق از فریاد امام چنان وحشت زده شد که ساز و تار از دستش افتاد، دستش فلج شد و تا آخر عمر هم بهبودی نیافت. مأمون او را طلبید و ماجرا را پرسید. او گفت: هنگامی که امام جواد علیه السلام بر سرم فریاد کشید، آن چنان وحشت زده شدم که هنوز هم ترس و وحشت تمام وجودم را فرا گرفته است.

بخشش

بخشش در راه خدا، یکی از ویژگی های بارز اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است و آنان برای جلب رضایت پروردگار، کمک های فراوانی به نیازمندان می کردند. نهمین پیشوای مسلمین حضرت جواد علیه السلام نیز همانند اجداد بزرگوار خود به مستمندان کمک می کرد. برنامه عملی امام جواد علیه السلام براساس نامه ای بود که از طرف پدر بزرگوارش امام رضا علیه السلام از خراسان برای ایشان فرستاده شده بود. امام رضا علیه السلام در این نامه به فرزند عزیزش نوشت: «من به خاطر حقی که بر تو دارم، از تو می خواهم که هرگاه تصمیم به خارج شدن از منزل داری، از در بزرگ داخل و خارج شوی. هنگامی که سوار مرکب خود می شوی، همراه خود طلا و نقره بردارو هر کس از تو درخواست کمک نمود، به او نیکی کن...».

تشنه معرفت

حضرت عبدالعظیم حسنی، از شاگردان برجسته امام جواد علیه السلام می گوید: به محضر مبارک امام جواد علیه السلام رسیدم و از حضرت درخواست حدیثی نمودم که از پدران بزرگوارش نقل شده باشد. حضرت فرمودند جد بزرگوارم امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: «تا وقتی مردم با هم تفاوت داشته باشند، در خیر و سعادت هستند و وقتی یکسان شدند هلاک می شوند». گفتم: ای فرزند رسول خدا! باز هم بفرمایید. فرمود: امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: «اگر عیب شما بر دیگری آشکار شود، همدیگر را دفن نمی کنید». گفتم: باز هم بفرمایید. فرمود: امام علی علیه السلام می فرماید: «همنشینی با اشرار و انسان های بد، سبب بدگمانی به خوبان می شود». عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! باز هم بفرمایید. حضرت فرمودند: امیرمؤمنان فرموده است: «بدترین توشه برای سفر قیامت، ظلم و ستم کردن بر بندگان خداست». گفتم: باز هم بفرمایید. حضرت فرمودند: امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «تدبیر و اندیشه قبل از اقدام به کار، تو را از پشیمانی حفظ می کند».

شریک جرم

ستم و تجاوز به حقوق دیگران، از گناهان بزرگی است که جز با بخشیدن صاحب حق، بخشیده نمی شود. در شرع مقدس اسلام مسئولیت و کیفر ظلم، افزون بر این که متوجه ظالم است، کسانی را هم که به طور غیر مستقیم با آن ظلم در ارتباط بوده اند در برمی گیرد. پیشوای نهم شیعیان امام جواد علیه السلام در بیانی می فرماید: «کسی که به شخص ستمگر کمک کند یا به ستم کردن دیگران رضایت داده و خوشحال شود، در کیفر ستم مانند ستمکاران سهیم است».

پیام رستگاری

یکی از آرزوهای دیرینه جوامع بشری، سعادت و خوشبختی آنان در تمام زمینه های زندگی است. این امر، در جوامع اسلامی از اهمیت زیادی برخوردار بوده و مسلمانان افزون بر نیک بختی دنیوی، خواهان سعادت اخروی و هم نشینی با رهبران و اولیای الهی در جهان پس از مرگ هستند. برای رسیدن به این مقام والا، راهنمایی هایی از بزرگان دین رسیده که عمل به آن ها، ضامن نیک بختی و هم نشینی با اولیای الهی شمرده شده است. اسماعیل بن سهل می گوید: به امام جواد علیه السلام نامه نوشته و از ایشان خواستم چیزی به من تعلیم دهد تا با عمل کردن به آن، در دنیا و آخرت همراه آنان باشم و از آنان جدا نشوم. حضرت در جواب نامه نوشتند: «سوره قدر را زیاد بخوان و لب های خود را به استغفار و طلب آمرزش تازه کن».

نصیحت

امام جواد علیه السلام همواره در خدمت مردم بود و از هدایت آنان غفلت نمی کرد. در خانه آن حضرت به روی تمام مردم باز بود و ایشان نیز به تمام درخواست های آنان پاسخ می داد. روزی شخصی خدمت امام جواد علیه السلام رسید و از حضرت درخواست نصیحت و موعظه نمود. امام رو به او کرد و فرمود: آیا گفته مرا قبول می کنی تا تو را نصیحت کنم؟ سؤال کننده گفت: آری، ای فرزند رسول خدا، امام فرمود: «صبر و تحمل را بالش خود قرار بده و با تنگدستی دست به گردن شو و آرزوها و درخواست های نفسانی را ترک کن و با هوای نفس خود مخالفت نما. بدان که در حقیقت تو هیچ گاه از نظر و نگاه خداوند دور نیستی و خدای متعال تمام کارهای تو را می بیند و به آن ها بیناست. پس مواظب باش و دقت کن که چگونه با خدای خود معامله می کنی».

اهل معروف

ابوهاشم جعفری یکی از شاگردان بزرگ امام جواد علیه السلام می گوید: روزی در نزد امام جواد علیه السلام

نشسته بودم. امام در ضمن بیانات خود فرمود: در بهشت، دری به نام «معروف» است که فقط اهل معروف و کارهای شایسته از آن در وارد می شوند. با شنیدن این کلام، در قلب خود خداوند را حمد و ستایش کردم و از این که می توانم نیازهای مردم را برآورده کرده (و از اهل معروف باشم) خوشحال شدم. امام جواد علیه السلام نگاهی به من کرد و فرمود: «ای اباهاشم! کسانی که در دنیا اهل معروف و کارهای نیک باشند، در آخرت هم اهل معروف هستند (و از همان در وارد بهشت می شوند). خداوند تو را از آنان قرار داده و مورد لطف و رحمت خود قرار دهد».

زینت

امام جواد علیه السلام در بیانی کوتاه و جامع، زینت های انسان را برشمرده و همگان را به زینت کردن خود به آن ها توصیه می کردند. آن حضرت می فرماید: «پارسایی و عفت، زینت تنگدستی و شکر، زینت توانگری است. صبر و شکیبایی، زینت بلا و گرفتاری و تواضع و فروتنی، زینت حَسَب و نَسَب است. شیوایی و رسا بودن زینت کلام، و عدالت، زینت ایمان و وقار و آرامش، زینت عبادت است. فروتنی، زینت علم، ادب نیک، زینت عقل، و گشاده رویی، زینت حلم و بردباری است. ترک منت، زینت معروف، و خضوع و خشوع، زینت نماز و بذل و بخشش، زینت نفس آدمی است».

روزگار رهایی

ظهور و قیام امام زمان (عج) از اساسی ترین پرسش ها و دغدغه های شیعیان از دیر زمان بوده و هست. شاگردان و دوستداران اهل بیت در فرصت های مناسب، درباره این رویداد بزرگ اسلامی از امام سؤال می کردند. روزی عبدالعظیم حسنی، شاگرد نمونه امام جواد علیه السلام درباره امام زمان (عج) و ظهور ایشان سؤال کرد. امام در پاسخ او فرمود: «قائم ما، مهدی است که به امر خدا مردم را به دین خدا راهنمایی می کند. او سومین فرزند از نوادگان من است. خداوند کار ظهور او را در یک شب فراهم می کند و جهان را پر از عدل و داد کرده و زمین را از اهل کفر پاک می سازد. مهدی کسی است که انتظار ظهورش برای همگان واجب، و در هنگام غیبت، اطاعت از وی لازم است. اصحاب او به اندازه اصحاب بدر، 313 نفر هستند. قسم به خدا اگر از دنیا فقط یک روز بماند، آن روز آن قدر طولانی می شود که ایشان ظهور کرده و جهان را از عدل و داد پر کند».

انتخاب همسر

امروزه بالا رفتن سن ازدواج، یکی از مشکلات مهم و اساسی جوانان است. اگرچه این مسأله علل گوناگونی دارد، ولی انتخاب همسر مناسب، از عواملی است که فکر بیشتر خانواده ها را به خود مشغول کرده است. امام جواد علیه السلام در پاسخ نامه ابراهیم محمد که درباره ازدواج دخترش از حضرت نظرخواهی کرده بود، معیار همسر

نمونه را با استناد به روایت رسول گرامی اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم بیان کرده و می فرماید: ای ابراهیم! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر خواستگاری برای دختر شما آمد که اخلاق و دینداری او مورد رضایت شما بود، دختر خود را به او بدهید». پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در ادامه این روایت، از بالا رفتن سن ازدواج به عنوان یک آفت اجتماعی یاد کرده و می فرماید: «اگر دختر خود را به همسر مناسب ندادید و پسر و دختر بزرگ شده و بدون همسر باقی بمانند، فتنه و فساد بزرگی دامنگیر جامعه خواهد شد».

پاداش محبت

محمد بن ولید کرمانی می گوید: از امام جواد علیه السلام پرسیدم: برای دوستان و خدمتگزاران شما چه اجر و پاداشی است؟ حضرت فرمود: غلام امام صادق علیه السلام روزی مشغول نگهداری مرکب امام بود که گروهی از اهل خراسان به دیدن امام صادق علیه السلام آمدند. یکی از آن ها به غلام گفت: از امام بخواه که مرا به جای تو به خدمتکاری قبول کند تا من غلام او باشم و در عوض تمام دارایی من مال تو باشد. غلام پذیرفت و نزد امام رفت و جریان را برای امام تعریف کرد. حضرت صادق علیه السلام فرمود: اگر تو از خدمتگزاری ما سیر شده ای من قبول می کنم و چون مدت زیادی همراه ما بودی نخست نصیحتی می کنم، آن وقت اختیار با توست. بدان چون روز قیامت شود، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به خدا تمسک می جوید و امیرمؤمنان علیه السلام به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم و امامان علیهم السلام به امیرمؤمنان علیه السلام و شیعیان و دوستداران ما به امامان علیهم السلام متوسل شده و داخل جایگاه آنان می شوند. غلام از شنیدن این سخن، رو به حضرت کرد و گفت: در خدمت شما می مانم و آخرت را بر دنیا اختیار می کنم.

خشم زمین

علی بن مهزیار اهوازی، نماینده امام جواد علیه السلام در اهواز و از خواص حضرت می گوید: در شهر اهواز فراوان زلزله می آمد تا جایی که تصمیم گرفتم آن شهر را ترک کرده و به شهر دیگری نقل مکان کنم. اما قبل از آن که تصمیم خود را عملی کنم، موضوع را به وسیله نامه با امام جواد علیه السلام در میان گذاشتم. آن حضرت در جواب نامه من نوشت «شهر خود را ترک نکنید، بلکه به مردم بگویید روز چهارشنبه، پنج شنبه و جمعه را روزه گرفته و غسل کنند و در روز جمعه با لباس های پاک و تمیز، از شهر خارج شده و به دعا و نیایش با خداوند بپردازند تا خداوند بدین وسیله، بلای زلزله را از شما برطرف کند». علی بن مهزیار می گوید: ما دستورات حضرت را اجرا کردیم و زلزله آرام گرفت و زندگی مردم به حالت عادی برگشت».

بکر بن صالح از یاران امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام می گوید: دامادم در نامه ای به ابوجعفر نوشت: پدری دارم که عقیده فاسدی داشته و با اهل بیت پیامبر دشمنی می ورزد. او با من هم بدرفتاری کرده و مرا آزار و اذیت می دهد. ای مولای من! نخست از تو می خواهم برای توفیق من دعا کنی، و دوم اینکه نظر مبارک شما را در مورد پدرم بدانم؟ آیا علیه او افشاگری کرده و فساد عقیده او را به دیگران بگویم، یا این که با او مدارا کنم؟ امام جواد علیه السلام در جواب نامه فرمودند: «شرح حال تو را فهمیدم. ان شاء الله از دعا کردن در حق تو غفلت نمی کنم. بدان که مدارا کردن با پدرت برای تو بهتر است؛ زیرا بعد از هر مشکلی، گشایشی است. صبر و حوصله داشته باش که عافیت و خیر و پیروزی مخصوص پرهیزکاران است». بکر بن صالح می گوید: «طولی نکشید که خداوند قلب پدر دامادم را دگرگون کرد و از مخالفت با فرزند خویش و اهل بیت پیامبر دست برداشت».

امام از نگاه دیگران

نشانه های هدایت

فضل الله روز بهان اصفهانی، از علمای قرن دهم و از بزرگان اهل سنت در شرح صلوات امام جواد علیه السلام درباره وجود مقدس حضرتش می نویسد: «بار خدایا! درود و صلوات فرست بر امام نهم، بر کسی که بسیار سجده می کرد و برای تمام بندگان خدای متعال، بخشنده بود. او نابود کننده گمراهی ها و دشمنی هاست و کسی است که صاحبان ظلم و فساد را از بین برد. او صاحب نشانه های هدایت و ارشاد به راه های راستی و صلاح است».

شریف ترین خانواده

عمرو بن حافظ، یکی از علمای بزرگ معتزلی، امام جواد علیه السلام را در شمار ده تن از فرزندان حضرت ابوطالب قرار داده و در مورد آن ها چنین می گوید: «هر یک از آنان، عالم، زاهد، عبادت پیشه، شجاع، بخشنده، پاک و پاک نهاد بودند که هیچ یک از خانواده های عرب و عجم دارای چنین نَسَب شریفی نیست».

فضیلت های بی شمار

حافظ حسین کربلایی تبریزی، از علمای قرن دهم و از بزرگان اهل سنت درباره فضیلت ها و مقامات پیشوای نهم

امام جواد علیه السلام می گوید: «بدان که امام محمدتقی علیه السلام امام نهم از امامان دوازده گانه است. او به کنیه ابوجعفر مشهور است. فضیلت ها و کرامات او به قدری است که قابل شمارش نیست». حافظ حسین پس از نقل جریان مناظره امام با یحیی بن اکثم وعاجز شدن او در مقابل امام، و تبدیل شدن جلسه مناظره به مجلس عقد امام، می افزاید: «اگر فضیلت ها و کرامت های حضرت امام محمدتقی علیه السلام را بشماریم، باید کتاب های زیادی در این زمینه بنویسیم».